



گفتگو هائی با « استراوینسکی »

بوسيلة
رابرت کرافت

یاختن وپرداختن |

پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۲ -

ژرنال جامع علوم انسانی

ك : آیا با ادراك منطقی « فرم » سروکار دارید ؟ و آیا این واژه در اصطلاح موسیقی مفهومی دربر دارد ؟

ا : آری، پاسخ هردو پرسش شما مثبت است . هنر دیالکتیک، طبق تفسیر فرهنگها ، عبارت است از « بحث منطقی » در هنر . و « فرم » موسیقی نیز نتیجه « بحث منطقی » در مصالح آن است .

ك : بارها شنیده‌ام که گفته‌اید : « هنرمند باید از تقارن اجتناب

Symmetry - 1

ورزد، لکن در ساختن آهنگ میتواند «موازات»^۱ را مورد نظر قرار دهد «
منظور چیست؟

۱: ریزه کاریهای «تورسللو»^۲ در «داوری واپسین»^۳ نمونه جالبی
است. موضوع آن بدو بخش مساوی تقسیم شده. اما، درحقیقت، هر يك مكمل
دیگری است؛ نه مساوی و نه متقارن با آن. و خط منقسم خط عمودی کامل
نیست.

«سردر آبی»^۴ اثر مندزیان (آهنگ شماره ۹-۱۹۱۴) نمونه
گویاتری است از آنچه که مورد نظر منست. این آهنگ از عناصری ترکیب
یافته که میخواهند تقارن داشته باشند اما درحقیقت، موازات دقیق آنها از
تقارن برکنار است. در هنر معماری، خواه تقارن اجتناب پذیر باشد، خواه
ذاتی و طبیعی، نمیدانم، لکن با این همه، نقاشانی که سوژه های معماری را
برمیگزینند و طرحهای معماری را بکار میبرند غالباً مرتکب گناه میگردند
و تنها استادان موسیقی توانسته اند در زمانهایی که معماری جنبه زیبایی شناسی
ایدئالیستی بخود گرفته بود یعنی در زمانهایی که معماری متقارن وجود داشت
و تقارن با خود شکل اشتباه می شد از آن اجتناب ورزند، می پندارم هایدن
از همه موسیقیدانان عصر خود از این حقیقت آگاه تر بود که قرینه کامل بودن
بمنزله کاملاً «مرده» بودن است.

برخی از ما هنوز از يك سو متوجه اضطراب فریبنده تقارن کلاسیک
هستیم و از سوی دیگر همچون «اینکاز» (Incaz) گرفتار کششی که هنگام
ساختن آهنگ، تقارن را بکلی نادیده بگیریم.

ك: آیا فرم موسیقی را تا حدودی مربوط به ریاضیات میدانید؟

۱: موسیقی، بهر حال، به ریاضیات بسیار نزدیک تر است تا به ادبیات.
شاید به خود ریاضیات شبیه نباشد، اما قطعاً به چیزی شبیه اندیشه ها و روابط
ریاضی می ماند. (چه گمراه کننده است تمامی توصیفهای ادبی که از فرم
موسیقی می شود!) اما اعتقاد من بر آنست که آهنگسازان، معادلات
و طرح های هندسی در ذهن خود دارند. زیرا اینها نمی توانند از
علائم موسیقی بشمار رود. با این همه بنظر من، اندیشه آهنگسازان

Torcello - ۲ Parallelism - ۱

Blue Facade - ۴ The last Judgment - ۳

با اندیشه‌های ریاضی چندان بی تفاوت نیست. و من از زمان تحصیل، به تشابه این هر دو وجه آگاه بودم و بر حسب تصادف، در مدرسه، ریاضیات بیش از همه مورد نظر و علاقه من بود. فرم موسیقی، جنبه ریاضی دارد، زیرا همیشه کمال مطلوب و هدف بشمار می رود. خواه آنگونه که «ارتگایگاست»^۱ نوشته است: «تصوری مربوط به حافظه یا ساخته دست ما باشد» یا نه. اما اگر چه ممکن است فرم جنبه ریاضی داشته باشد، آهنگساز هرگز نباید به جستجوی فرمول‌های ریاضی پردازد.

ك: غالباً می‌گوئید آهنگسازی به حل کردن مسأله می‌ماند. آیا چیزی بیش از آن نیست؟

۱: «سیورات»^۲ می‌گوید: «پاره‌ای از ناقدان درستایش من گفته‌اند که در آثارم رگه‌هایی از شعر می‌بینند، اما من در نقاشی شیوه خود را بکار بکار می‌برم و اندیشه دیگری در ذهن ندارم»

ك: در قطعاتی که با عناوین یونانی مانند: «آپولو»^۳، «دیپوس»^۴ «اورفتوس»^۵ و «پرسفون»^۶ ساخته‌اید ریتمهای نقطه‌دار اهمیت فراوان دارد آیا بکار بردن این گونه ریتمها اشاره‌ای خود آگاهانه به سبک قرن هجدهم است؟

۱: ریتمهای نقطه‌دار، از ریتم‌های مشخص قرن هجدهم محسوب می‌شود. بکار بردن آنها در این قطعات و سایر آثار آن دوره، از جمله مقدمه کنسرتو پیانوی من، اشاره‌های خود آگاهانه ایست به سبک آن دوره. من کوشیده‌ام تا موسیقی تازه‌ای از کلاسیسیسم قرن هجدهم بوجود آورم و اصول بناکننده آن کلاسیسیسم را (که در اینجا نمیتوانم تعریف کنم) بکار برم و آن را از لحاظ سبک بوسائلی چون ریتمهای نقطه‌دار انتقال دهم.

ك: «والری»^۷ می‌گوید: «تنها با اصول قراردادی میتوان بطرزی منظم آهنگ ساخت». چگونه این اصول قراردادی را، مثلاً در آوازهای «وبرن» که با کلارینت و گیتار اجرا می‌شود؛ میتوان شناخت.

۱ - Ortegay Gasset - ۲ Seurat - ۳ Apollo - ۴ Oedipus - ۵ Orfeus - ۶ Persephone - ۷ Valery

۱: آن را نمیتوان شناخت. در آوازه‌های «وبرن» اصل کاملاً تازه‌ای برای «نظم و نسق» وجود دارد که گاه شناخته شده، بصورت اصل قراردادی درمی‌آید. اما اظهار نظر کاملاً کلاسیک «والری» پیش‌بینی نمی‌کند که اصول قراردادی جدیدی بتوان بوجود آورد.

ک: رمان نویسی بنام «ایشروود»^۱ نزد شما از دشواریهای خود در مسائل فنی داستان‌سرایی شکوه می‌کرد. با او توصیه کردید که مدلی انتخاب کند. در موسیقی چگونه از مدل استفاده می‌کنید؟

ا: همچنانکه لحظه‌ای پیش در مورد ریتمهای نقطه‌دار قرن هجدهم توضیح دادم؛ من این «اصل قراردادی ریتم» را مدل قرار داده‌ام تا بتوانم بطرزی منظم آهنگ بسازم.

• گفتگو ادامه دارد •

حسن فیاد
ترجمه
احمد بی نظیر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی